

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

عبدالحسین نبوی<sup>۱</sup>  
فرات چپیشه<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: 94/05/01

تاریخ تصویب: 94/07/06

### چکیده

امروزه ترس از جرم به واقعیت اجتماعی متمایز و حتی مهم‌تر از خود جرم مبدل شده است. این مقاله با هدف بررسی تأثیر پاره‌ای از عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن نگاشته شده است. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، در بین شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر اهواز، به انجام رسیده است. در این تحقیق از شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه بندی شده‌ی تصادفی استفاده شده است.

مهمترین نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که؛ متغیرهای سن، تحصیلات، اعتماد اجتماعی، محرومیت نسبی و... بر ترس از جرم افراد تأثیرگذار هستند.

**واژگان کلیدی:** سن، تحصیلات، اعتماد اجتماعی، محرومیت نسبی، ترس از جرم، اهواز.

---

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز s.abdolhoseinnabavi@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

### مقدمه و بیان مسأله

در پس هر رخداد جنایی، مسأله مهمی نهفته که به لحاظ درهم‌تنیدگی آن با مقوله‌ی روان‌شناختی، از دید بسیاری مغفول و پنهان می‌ماند. این موضوع که دامنه‌ی آن هزاران برابر گسترده‌تر از جرم می‌باشد، "ترس از جرم" نام دارد. ترس از جرم اگرچه روح خود را از جرم وام می‌گیرد؛ جرمی که در محل حادثه ظاهر و محو می‌شود؛ پدیده‌ای است به غایت تأثیرگذار که حتی می‌تواند بر جرایم نیز از هر حیث تأثیر بگذارد. اگرچه پدیده‌ی ترس از جرم قابل رؤیت و یا شمارش نیست، اما نادیده انگاشتن آن خطای بزرگی است. واقعیت این است که بسیاری از رفتارها، سخن‌ها و افکار انسان برخاسته و یا تحت تأثیر ترس از بزه‌دیدگی است. واقعیتی که نه تنها بزه‌دیده و اطرافیان او که شئوون مختلف جامعه را نیز متأثر می‌کند. البته همان‌طور که داروین می‌گوید: انسان، نخستین ترس خود را در هنگام تولد تجربه می‌کند. این ترس در اشکال مختلف همراه همیشگی آدمی است؛ تنها یکی از این اشکال، ترس از بزه‌دیدگی است.

ترس از جرم بعضاً با مفاهیمی هم‌چون احساس ناامنی و نگرانی درباره‌ی جرم خلط می‌شود. این در حالی است که هر یک از واکنش‌های روانی با یکدیگر متفاوت هستند. با این حال نقطه اشتراک این واکنش‌ها آن است که می‌توانند ابعاد مختلف و در عین حال حیاتی زندگی بشر را دست‌خوش تغییر و بعضاً نابودی قرار دهند. توجه به این پیامدها اهمیت پرداختن به این پدیده را دو چندان می‌کند. آن چه بر ابهامات در شناخت و فهم ترس از جرم دامن می‌زند، تأثیرپذیری آن از متغیرهایی است که به دشواری در قالب فرمول، نظریه و مدل ترسیم می‌شود. سن، جنسیت و میزان سواد تنها بخشی از متغیرهایی است که بر افزایش و کاهش ترس از جرم مؤثر می‌باشد. پرداختن به مقوله‌های اثرگذار بر ترس از جرم نقش مهمی در تدوین یک سیاست کلی و غیرمقطعی برای کنترل ترس از جرم دارد. بی‌گمان کنترل این پدیده از مهمترین حوزه‌های پژوهشی است که باید توجه جدی به آن نمود، چون از پیامدهای ناگوار اقتصادی گرفته تا دیگر مسایل اجتماعی و سیاسی نوعاً رابطه معناداری با ترس از جرم دارد. البته راهبردها و تدابیر اتخاذی باید دقیق و تأثیرگذار باشند. به هر حال درهم‌تنیدگی موضوعات و اوضاع و احوال می‌تواند بر میزان ترس از جرم تأثیرگذار باشد.

جرم، ترسی را در میان اعضای جامعه بر می‌انگیزد که ممکن است باعث تخریب اجتماع و بوجود آمدن اثرات جبران ناپذیر آشکار و پنهان گسترده‌ای نظیر کاهش مشارکت اجتماعی شود. بدین جهت است که ترس از جرم می‌تواند به همان اندازه که جرم برای یک جامعه تولید مسأله اجتماعی می‌کند، مسأله ساز شود.

پی بردن به این موضوع که ترس از جرم، در سطح جامعه، به چه عواملی وابسته است و از چه علل و دلایلی نشأت می‌گیرد، مطمئناً کمک بسیار مؤثری در ایمن‌سازی جامعه و احساس آرامش روحی و

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

جسمی افراد و به دنبال آن خانواده‌ها می‌نماید و در نهایت گام مؤثری در جهت حضور سالم و مؤثر افراد در اجتماع و کمک به رشد و شکوفایی آن‌ها در جامعه می‌باشد.

پس، ترس از جرم را دامنه وسیعی از احساسات و پاسخگویی‌های عملی و عاطفی افراد جامعه، نسبت به بی‌نظمی‌ها و جرایم اعمال شده در آن تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که ترس از جرم مسأله‌ای انفرادی و فردی نیست که ویژگی بعضی از افراد باشد، بدان معنا که بعضی از افراد دارای آن و بعضی فاقد آن باشند، بلکه بیشتر انتقالی و موقعیتی است. به عبارت دیگر همه ما در دوران زندگی خود، تحت تأثیر تجربیات و مناسبات اجتماعی، در سایه‌ای از ترس حرکت می‌کنیم (پین، ۲۰۰۰).

به نظر دورکیم ترس جنبه‌ی مثبتی از زندگی اجتماعی است. به این دلیل که ترس، شهروندان را برای به عهده گرفتن برخی مسؤولیت‌ها در قبال کنترل جرم برمی‌انگیزد و از طریق تقویت نظم هنجاری، منجر به تقویت اجماع اجتماعی می‌شود. با این حال، پژوهشگران دیگر، ترس را یکی از عوامل پایین آوردن کیفیت زندگی و میزان امنیت دانسته‌اند (هوانگ به نقل از سراج زاده، ۱۳۸۹).

در تحلیل نهایی، آنچه ترس از جرم را به عنوان یک مسأله اجتماعی مطرح می‌کند، عمق و شدت پیامدهای آن برای افراد و جامع است. مردم به شیوه‌های متفاوتی به ترس از جرم واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها ممکن است از حضور در مکان‌های معین و در زمان‌های ویژه اجتناب کنند، تجهیزات پیشگیری از جرم خریداری نمایند، گروه‌هایی علیه جرم و یا به منظور دفاع از خود تشکیل دهند، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی‌شان را تغییر دهند و یا از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره‌گیری کنند. زوال زندگی اجتماعی ناشی از ترس، همچنین ممکن است منجر به افول توانایی جامعه برای مواجهه با جرم شود (گروه ۲۰۰۶: ۵۲-۵۱). با این حال پژوهش‌ها نشان دادند که توزیع ترس همواره منطبق با نقشه‌ی واقعی جرم نیست. یک شهر امن جایی است که خیابان‌ها و مکان‌های عمومی‌اش عاری از خشونت و جرم باشد، اما این لزوماً به معنای عاری بودن آن شهر از ترس نیست (برندا، به نقل از سراج زاده، ۱۳۸۹). به علاوه در شهرهای بزرگ که معمولاً مردم با جرم و ترس ناشی از آن دست به گریبان هستند، گروه‌های مختلف اجتماعی و ساکنان مناطق مختلف به یک میزان احساس ترس از جرم ندارند.

کاهش ترس از جرم و افزایش احساس امنیت اجتماعی، یکی از مهمترین اهداف برقراری امنیت در سطح جوامع می‌باشد، که امروزه مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور اجتماعی و سیاسی کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد؛ هر چند مسأله ترس از جرم، مسأله‌ای ذهنی است و به تصور افراد نسبت به ترس از قربانی‌شدن و در معرض جرایم قرار گرفتن برمی‌گردد و ممکن است با آمارهای واقعی قربانی‌شدن متفاوت باشد، ولی این ترس با موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی جوامع و همچنین مناسبات اجتماعی افراد جامعه، در ارتباط مستقیم قرار دارد.

نکته مهم دیگری که در بحث اهمیت بررسی ترس از جرم، می‌توان مطرح کرد، موضوع شاخص‌های کیفیت زندگی و ارتقای این شاخص‌ها در زندگی افراد جامعه می‌باشد، که یکی از مهمترین مسائل در این مبحث، میزان امنیت و احساس امنیت در زندگی می‌باشد، که اهمیت به مسأله ی ترس از جرم و بررسی علل بوجود آورنده و همچنین شناخت راه‌های کاهش آن، در زمینه بالا بردن سطح کیفیت زندگی، می‌تواند، مفید و مؤثر باشد (مگ کوایر به نقل از زدنر، ۲۰۰۳).

ترس از جرم ترکیبی از ناامنی‌های متفاوت می‌باشد، که افراد در محیط‌های شخصی تجربه و درک می‌کنند، که می‌تواند اثرات مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد داشته باشد (کریستن و رگرسن، ۲۰۰۴). این نگرانی می‌تواند باعث خانه‌نشینی شدن افراد، ایجاد اثرات ذهنی و روانی، نظیر انزوا، افسردگی، احساس ناتوانی و در نهایت عدم سلامت جسمی و روانی شود. همچنین ترس از جرم می‌تواند باعث افزایش محرومیت و محدودیت اجتماعی شود و فرد را از دسترسی به امکانات عمومی و به حق جامعه محروم نماید.

یکی از مسائلی که می‌تواند در ترس از جرم مؤثر باشد، مزاحمت‌ها و رفتار ضداجتماعی افراد در سطح جامعه است. وجود جوانان مزاحم در محلات و فضای محلی و رفتار ضد اجتماعی آن‌ها می‌تواند در افزایش ترس از جرم مؤثر باشد.

علاوه بر این می‌توان گفت یکی از عمده‌ترین اثرات و تبعات توجه به قربانبان و بزه‌دیدگان، اهمیت بررسی ترس از قربانی‌شدن و در نهایت ترس از جرم در جامعه است. بالا بردن میزان خطرپذیری و افزایش هزینه مجرمین در قبال انجام جرم، از جمله روش‌ها و راهکارهای کاهش و پیشگیری از جرم می‌باشد. بدین منظور بهره‌گیری از تحقیقات قربانی‌محور و بررسی عوامل مؤثر بر ترس از جرم می‌تواند مثمر ثمر باشد.

بنابراین انجام بررسی‌هایی در زمینه جرم‌شناسی قربانی‌محور و افزایش ریسک مجرمین، در جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت قوانین کیفری اعمال شده در کشور و بررسی و تجدید نظر در آن‌ها، به منظور برطرف کردن ایرادات و اشکالات قانونی که زمینه را برای بروز جرم مساعد می‌نماید، ضروری می‌باشد. خلأ قوانین حمایتی حقوقی و اجتماعی از جرایم مختلف، نظیر تجاوز به عنف، که به سبب این خلأ قانونی و اجتماعی، فرد بزه‌دیده از نگاه جامعه خود به عنوان فردی بزهکار دیده می‌شود و بسیاری از این افراد بعد از قربانی این دسته جرایم‌شدن، دیگر مورد پذیرش اعضای خانواده و اطرافیان نبوده و برای اثبات بی‌گناهی خویش با مراجع قانونی و اجتماعی، مشکلات بسیاری دارند.

این حمایت نکردن از قربانبان، نه تنها در بسیاری از موارد باعث ابتلای به بیماری روحی و روانی در آن‌ها شده و امکان خودکشی را بالا می‌برد، بلکه باعث می‌شود که در بین سایر افراد ایجاد ترس از جرم و عوارض پیامد آن، نماید. بدین جهت انجام تحقیقات در زمینه بررسی علل و عوامل مؤثر بر ترس از

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

جرم، به منظور پیشگیری از جرم و کاهش اثرات و پیامدهای این ترس در جامعه و افزایش احساس امنیت شهروندان، لازم و ضروری است.  
در این رساله سعی بر آن خواهد بود، تا با استفاده از نظریات مرتبط با مسأله ی ترس از جرم، «عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر ترس از جرم» مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد اصلی آن و همچنین راه‌های کاهش ترس از جرم، مورد بررسی قرار گیرد.

### نظریه پیوند اجتماعی

تعریف پیوند اجتماعی به لحاظ این که می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلفی تبیین نمود کار بسیار دشواری است. پژوهشگران، سیاست‌مداران و روزنامه‌نگاران هر یک تعریف خاصی از ساختار پیوند اجتماعی ارائه داده‌اند. با این حال تعریفی که بیش تر مورد توجه قرار گرفته، عبارت است از پیوستگی در اجتماع یا نظام سیاسی، پیوندهایی که افراد با این نظام‌ها دارند و به نحوی از طریق رفتار، دیدگاه، شبکه‌های فردی و هویت خود را درگیر و همراه آن می‌دانند (دکر، ۲۰۰۵: ۱۰۶). بنابراین پیوند اجتماعی گونه‌ای اتحاد و ارتباط گسترده میان گروه‌های اجتماعی هم‌چون دوستان، همکاران و یا عضویت در گروهی خاص است. براساس این نظریه دورکهایم پیوند اجتماعی چیزی است که با حمایت‌های اخلاقی فراوان و متقابل افراد، باعث می‌شود تا هر فرد داشته‌های شخصی خود را، که همان انرژی و حمایت در حد توان خود می‌باشد، با دیگران در میان بگذارد. اگرچه مباحث فراوانی درباره ترس از جرم، پیوند اجتماعی و سرمایه اجتماعی صورت گرفته، اما پیرامون ارتباط پیوند اجتماعی و ترس از جرم کم‌تر پژوهشی انجام شده است. فرض بر این است که در جوامعی که پیوندهای عمیق و فراگیری میان اهالی وجود دارد افراد به لحاظ این که می‌توانند به صورت جمعی به جرم پاسخ دهند، ترس از جرم در حد پایینی است. البته این گمان نیز وجود دارد که در نتیجه پیوند اجتماعی، در مواقعی، ترس از جرم افزایش یابد، چرا که در این شرایط اطلاعات مربوط به بزه‌دیدگی و پیامدهای مربوط آن بسیار سریع گسترده و پراکنده می‌شود. در هر حال پیوندهای اجتماعی از نظر روان‌شناختی می‌تواند اثر روانی مثبتی در پی داشته باشد؛ برای مثال داشتن دوستان نزدیک یا روابط اجتماعی مطلوب می‌تواند احساس توانمندی در مبارزه با جرم و یا تحت حمایت بودن را افزایش دهد. از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با اطلاع‌رسانی به افراد، آن‌ها را از وجود منابع مهم و حیاتی جهت مقابله با مصایبی چون بزه‌دیدگی آگاه نمایند و در نتیجه آنان را از منظر احساسی توانمند سازند. به علاوه شبکه‌های اجتماعی ممکن است با افزایش توانایی‌های ساکنین برای کنترل رسمی بر جامعه محلی و در نهایت کنترل جرم بسیار تأثیرگذار باشند. به عبارت دیگر در چنین شرایطی برخی افراد ممکن است درباره‌ی بزه‌دیده‌شدن خود بیندیشند و در پیش چشم خود تصور کنند که قادر به کنترل خطر و یا دفع آن هستند (نیکوکار، ۱۳۹۱: ۹۳).

## اعتماد اجتماعی

اعتماد به عنوان سنگ بنای مهم رفتار اجتماعی و ساز و کار همبستگی برای نظام اجتماعی مورد توجه صاحب نظران بسیاری قرار گرفته است. بنابراین، از دیدگاه‌های مختلف می‌توان به بحث اعتماد پرداخت. اعتماد به عنوان جزو اصلی و هسته‌ی مرکزی سرمایه‌ی اجتماعی در بیشتر نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی از جمله نظریات کلمن، بوردیو، پوتنام و فوکویاما آمده است. پوتنام معتقد است بخش اعظم عقب ماندگی اقتصادی در جهان ناشی از فقدان اعتماد متقابل است. او معتقد است اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنید، بلکه تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناخت‌تان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعات‌شان و توانایی او را حدس می‌زنید که این کار را انجام خواهد داد. پوتنام در چگونگی تبدیل اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی که لازمه‌ی جوامع جدید کنونی است، می‌گوید اعتماد اجتماعی در جوامع جدید از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معاملی متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود.

پوتنام معتقد است همکاری داوطلبانه و افزایش اعتماد اجتماعی ناشی از هنجارهای معاملی متقابل عمومی و شبکه‌های مشارکت مدنی است، زیرا آن‌ها انگیزه‌های عهدشکنی و جو ابهام آمیز و غیرشفاف را کاهش و الگوهای برای همکاری ارائه می‌دهند.

فوکویاما ضمن برشمردن عوامل مؤثر بر سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد معتقد است دولت از طریق آموزش و پرورش می‌تواند بیشترین تأثیر را بر افزایش اعتماد داشته باشد، به این نحو که هنجارها و قوانین را در مراحل مختلف تحصیلی به محصلان انتقال دهد و روحیه‌ی گروهی را ترویج کند. همچنین دولت‌ها به طور غیرمستقیم و از راه تأثیرگذاری بر تهیه‌ی مایحتاج عمومی به ویژه در زمینه‌ی حقوق، مالکیت، امنیت عمومی، ایجاد محیطی امن و به دور از ترس و همچنین محیطی باثبات برای تعامل عمومی، اعتماد را در بین افراد رشد می‌دهند، فوکویاما به شعاع اعتماد، یعنی دایره‌ای از افراد که در میانشان هنجارهای مشترکی حضور دارند، پرداخته و معتقد است هر چه شعاع وسیع‌تر باشد و افراد بیشتری را دربرگیرد، افزایش اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود. او معتقد است پیوستگی‌های درون گروهی عمیق که گاهی در درون گروه‌های سنتی وجود دارد، از توانایی اعضا برای همکاری با بیگانگان و بسط اعتماد اجتماعی می‌کاهد.

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

اکثر جامعه شناسان به نحوی به بحث اعتماد پرداخته‌اند. دورکیم اعتماد را زاینده‌ی اخلاقیات در جامعه می‌داند و می‌گوید یک شخص اگر صادق و راستگو باشد و به خواسته‌های دیگران به خاطر اخلاقیات مشترک و همنوایی مشترک با هنجارها احترام بگذارد، می‌تواند به دیگری اعتماد داشته باشد و خود نیز مورد اعتماد باشد. اگر جامعه اخلاقی باشد محیط اجتماعی مملو از اعتماد می‌شود، زیرا قواعد اخلاقی تضادها و تنش‌ها را تخفیف می‌دهد و امکان همکاری و مودت را از طریق تعیین وظایف افراد و آموزش نظم و مقررات و پیروی از آرمان‌ها تضمین می‌کند. مصونیت و پیش بینی پذیر بودن چنین محیطی، شرایطی را برای اعتماد بوجود می‌آورد که به نظر می‌رسد نتیجه‌ی پیروی از هنجارهای اخلاقی باشد.

گیدنز مبنای اعتماد را در جوامع سنتی، نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، کیهان شناسی مذهبی و سنتی می‌داند، در حالی که کانون اعتماد در جوامع جدید نظام‌های انتزاعی است، یعنی اعتماد به علایم، نشانه‌ها و همچنین به دانش و تخصص، او منشأ اعتماد در بزرگسالی و اعتماد متقابل بین شخصی و اعتمادهای انتزاعی را در اعتماد بنیادی جستجو می‌کند. وی می‌گوید آدم‌های بهنجار در اوایل زندگی شان مقداری اعتماد اساسی به خوردشان داده می‌شود که آسیب‌پذیری وجودی را سرکوب یا کند می‌کند. اگر این اعتماد در کودکی به خوبی شکل بگیرد و کودک به اعتمادپذیری شخصیت والدین اعتماد کند، پایه و بنیاد همه گونه اعتماد بعدی در زندگی فرد شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۶۵).

اعتماد متقابل بین شخصی نوع دیگری از اعتماد است که در روابط چهره به چهره، خود را نشان می‌دهد. گیدنز معتقد است در جوامع جدید، روابط غیرشخصی بیش از پیش روابط شخصی را تحلیل برده و اعتماد غیر شخصی شکل گرفته است. در این جوامع، اعتماد به عنوان طرحی نشان داده می‌شود که طرفین باید روی آن کار و آن را جلب کنند و وسیله‌ی این کار، نشان دادن محبت و سعه‌ی صدر است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۲).

نوع دیگر اعتماد از نظر گیدنز، اعتماد انتزاعی است که مبتنی بر روابط بدون چهره است که عمدتاً در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد. به نظر گیدنز اعتماد در این نظام‌ها در برخی موارد به هیچ‌گونه رو به رویی با افراد یا گروه‌های مسئول این نظام‌ها نیاز ندارد، اما در بیشتر این افراد یا گروه‌ها در امور دخالت دارند. نوع دیگر اعتماد، اعتماد تعمیم یافته یا عام است، یعنی داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی، قبیله‌ای یا خانوادگی. این نوع اعتماد لازمه‌ی همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و جدید امروزی را تشکیل می‌دهد.

امنیت و احساس امنیت و از طرفی وجود نداشتن ترس از جرم را اگر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و در معنایی عام در نظر بگیریم که همه افراد جامعه در ساخت و حفظ آن مشارکت دارند با مفهوم اعتماد مرتبط است. اعتماد بین شخصی، احساس امنیت را در محدوده‌ی کوچکی فراهم می‌کند در حالی که

اعتماد تعمیم یافته می‌تواند احساس امنیت عمومی‌تری را ایجاد نماید تا اعضای جامعه در کلیه‌ی تعاملات اجتماعی خود با سازمان‌ها، دولت، نیروی انتظامی و سایر اعضای جامعه احساس امنیت و آرامش کنند. با این رویکرد کاهش ترس از جرم متغیر وابسته‌ای است که تحت تأثیر اعتماد اجتماعی در کلیه‌ی تعاملات اجتماعی در محیط‌های زیست انسان امکان نفوذ می‌یابد.

در واقع فقدان اعتماد بین اعضای جامعه، نظم اجتماعی موجود را مختل می‌کند و مانع از جریان صحیح کنش‌های صحیح کنش‌های اجتماعی می‌شود. در چنین فضای اجتماعی فرد احساس خطر، ناامنی، ترس و وحشت می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی فضای ناامن برای فرد بوجود می‌آورد (گروسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳).

#### محرومیت نسبی

تدرابرت گردد نظریه محرومیت نسبی خود بر این باور است که چنان چه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود: آنان دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، آسیب رساندن به منبع محرومیت است. بدین ترتیب، محرومیت نسبی نتیجه تفاوت درک شده میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌های) افراد است.

محصول طبیعی این وضع ایجاد ناکامی و نارضایتی در آنهاست، بدین منظور گر در نظریه خود که معروف به محرومیت نسبی است می‌کوشد ابتدا به چگونگی ایجاد محرومیت نسبی (منبع نارضایتی) در افراد اشاره کند و سپس نشان دهد که چگونه این وضعیت ذهنی - روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی از حالت ذهنی خارج می‌شود و در شکل خشونت سیاسی (وضعیتی عینی) نمایان می‌گردد. تدرابرت گر سه نوع محرومیت را معرفی می‌کند:

الف) محرومیت نزولی، که در آن انتظارات افراد ثابت اما توانایی‌هایشان به طور مداوم کاهش می‌یابد. ب) محرومیت ناشی از بلندپروازی، یعنی در حالی که توانایی‌های افراد ثابت است، انتظاراتشان افزایش می‌یابد.

ج) محرومیت صعودی که پس از یک دوره‌ی رشد هم زمان انتظارات و توانایی‌ها، توانایی‌ها از رشد صعودی باز ایستاده و یا کاهش شدیدی می‌یابد و انتظارات همچنان حالتی صعودی دارند. هر چه محرومیت نسبی ایجاد شده بر اساس تفاوت میان انتظارات و توانایی‌ها شدیدتر باشد، آن‌گاه نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشونت هم بیشتر خواهد بود. محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و نارضایتی محرکی کلی برای اقدام علیه منبع محرومیت است.

ارائه‌ی تصویری کلی از نظریه محرومیت نسبی، نشان داد که این نظریه به دو بخش کلی تقسیم می‌گردد: اول اینکه، چگونه محرومیت نسبی به منزله‌ی منبع نارضایتی و پرخاشگری در ذهنیت افراد



بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

شکل می‌گیرد و سپس چگونه در شکل خشونت جمعی سیاسی ظاهر می‌شود و شدت خشم و میزان آن تحت تأثیر چه عوامل اجتماعی قرار دارد.

در نقاط مختلف نظریه بر استفاده از شاخص‌های کلان و ساختاری برای دسترسی به محرومیت نسبی تأکید می‌شود. به عقیده گر، می‌توان «گروه‌ها و طبقات یک جامعه را از حیث تحلیلی، ساختاری یا ذهنی از یکدیگر متمایز کرد و از شرایطی هم‌چون مجموع کالاهای قابل دسترسی برای توزیع در جامعه، تغییرات به وجود آمده در ابزارهای گروهی برای دسترسی به این کالاها و تغییر در سطح دستیابی به ارزش‌ها در مقیاسه با گذشته گروه و تجربه سایر طبقات، میزان محرومیت نسبی احتمالی آنها را استنتاج کرد.

به طور کلی، بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه‌های مرجع دست می‌زند و دوست دارد، شرایطی مشابه با آن‌ها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید، دچار محرومیت نسبی می‌شود (گر، ۱۹۷۰ به نقل از هزار جریبی، ۱۳۸۸: ۱۴).

یکی از مفروضات اصلی نظریه‌ی محرومیت نسبی این است که واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های مردم به شرایط و تصورات ذهنی آنان بستگی دارد و نه شرایط عینی به همین سبب نظریه محرومیت نسبی در علوم اجتماعی تبیین‌کننده احساساتی است که جنبه‌ی ذهنی دارد و در نقطه‌ی متقابل تبعیضات عینی قرار می‌گیرد. به‌علاوه در نظریه‌ی محرومیت نسبی فرض می‌شود که بافت اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری در بروز احساس محرومیت نسبی دارد. در مجموع احساس محرومیت نسبی ذهنی و وابسته به بافت اجتماعی است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۸).

این نظریه تلویحاً بیان‌کننده‌ی آن است که محرومیت اقتصادی تأثیر نسبی و نه مطلق بر تجربه‌های آدمی دارد چرا که سطح استاندارد زندگی در میان گروه‌های مرجع نحوه‌ی تجربه محرومیت توسط شخص را معین می‌سازد. بر طبق نظریه‌ی محرومیت نسبی هر چه سطح زندگی فرد در بین گروه‌های مرجع بالاتر، آمال و آرزوهای شخص بیشتر و شخص خود را شایسته‌ی رسیدن به آن می‌داند. پس هر زمان افرادی تصور نمایند که دیگران از رفاه بیشتری نسبت به آنان برخوردارند، احساس بی‌عدالتی و حرمان در وجودشان شعله‌ور می‌شود (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۸). بر این اساس کوزر محرومیت را ناشی از سرخوردگی دانسته و از آن برای تبیین میزان خودکشی استفاده کرده است. گار نیز معتقد است برخی افراد در چنین وضعیتی به نارضایتی خواهند رسید و دچار ناکامی، افسردگی، یأس و بی‌توجهی می‌شود. بنابراین نظریه محرومیت نسبی که ریشه در مقایسه‌های اجتماعی دارد نشان می‌دهد چگونه مقایسه‌های اجتماعی می‌تواند پیامدهایی هم‌چون عواطف منفی (افسردگی، ترس از جرم و ...) داشته باشد.

• بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم؛

- شناخت جامعه شناختی پدیده ترس از جرم؛
- بررسی پیامدهای ترس از جرم؛
- 

### ابزار و روش

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر اهواز می‌باشد. در انتخاب جمعیت نمونه در این تحقیق، از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شده است. ابتدا جهت تعیین میزان حجم نمونه برای هر منطقه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب<sup>۱</sup> استفاده شد. در این پژوهش، برای محاسبه حجم نمونه آماری لازم از فرمول کوکران استفاده شده است. حجم نمونه پس از محاسبه با استفاده از فرمول کوکران، با توجه به خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۰/۹۵ با آماره مجذور کای برای یک درجه آزادی، مقدار  $n=384$  به دست آمد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش با در نظر گرفتن فرضیات مطرح شده صورت گرفته است. داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و برای پردازش اطلاعات، از نرم‌افزار آماری SPSS16.0 استفاده گردیده است.

### یافته‌ها

#### یافته‌های توصیفی

در بخش آمار توصیفی مشخص شد که دامنه‌ی سنی در گروه نمونه، بین ۱۸ تا ۶۵ سال می‌باشد. میانگین سن پاسخگویان ۳۰/۶۵ می‌باشد. از نظر تحصیلات ۰/۵ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۸/۳ درصد ابتدایی، ۱۰/۹ درصد راهنمایی، ۳۳/۶ درصد دیپلم، ۸/۶ درصد کاردانی، ۲۹/۷ درصد کارشناسی و ۶/۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بودند.

#### یافته‌های استنباطی

فرضیه نخست: به نظر می‌رسد بین سن و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد. برای تحلیل این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به مقدار  $r = 0.074$  و  $sig = 0.153$  در جدول (۱)، می‌توان ادعا کرد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد. البته باید توجه داشت، در بررسی ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیر سن و متغیر ترس از جرم، با کنترل سایر متغیرهای مستقل،  $r = 0.123$  می‌باشد. سطح معناداری این ضریب ۰/۰۴۳ می‌باشد. بنابراین

<sup>۱</sup> - Proportional Stratified Random Sampling

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

ضریب همبستگی پیرسون، زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر بر سن کنترل می‌شود، در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد.

**جدول (۱): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن و ترس از جرم**

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن و ترس از جرم	۰/۰۷۴	۰/۱۵۳

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین تحصیلات و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد. برای تحلیل این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار  $F=2/343$  و  $\text{sig} = 0/031$  در جدول (۲)، می‌توان ادعا کرد که افراد در گروه‌های مختلف تحصیلی دارای نمره‌های متفاوتی از ترس از جرم هستند. با استفاده از آزمون‌های تکمیلی شفه و توکی مشخص شد که میانگین ترس از جرم افرادی که دارای تحصیلات ابتدایی هستند در مقایسه با افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی هستند، به طور معناداری (در سطح ۰/۰۵) متفاوت است. در واقع میزان ترس از جرم افرادی که دارای تحصیلات ابتدایی هستند، در مقایسه با افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی هستند، به طور معناداری بیشتر است.

**جدول (۲): نتایج آزمون آنالیز واریانس بین میزان تحصیلات و ترس از جرم**

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	مقدار F	میزان معنی‌داری
بین گروهی	۱۱۳۰/۰۹۶	۶	۱۸۸/۳۴۹	۲/۳۴۳	۰/۰۳۱
درون گروهی	۲۹۸۳۶/۸۷۴	۳۷۱	۸۰/۳۹۶		
کل	۳۰۹۶۶/۹۶۹	۳۷۷			

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد. از آن‌جا که در جدول (۳)، مقدار  $r = -0/133$  و  $\text{sig} = 0/009$  می‌باشد، می‌توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه‌ی معنادار و اما منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر، میزان ترس از جرم کمتر خواهد بود.

**جدول (۳): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و ترس از جرم**

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی و ترس از جرم	-۰/۱۳۳	۰/۰۰۹

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین محرومیت نسبی و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد.

از آنجا که در جدول (۴)، مقدار  $r = 0/159$  و  $sig = 0/002$  می‌باشد، می‌توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان محرمیت نسبی بیشتر، میزان ترس از جرم بیشتر خواهد بود.

**جدول (۴): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین محرمیت نسبی و ترس از جرم**

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
محرمیت نسبی و ترس از جرم	0/159	0/002

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین ترس از جرم و افسردگی رابطه معناداری وجود دارد. از آنجا که در جدول (۵) مقدار  $r = 0/267$  و  $sig = 0/000$  می‌باشد، می‌توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان ترس از جرم بیشتر باشد، میزان افسردگی نیز بیشتر خواهد بود.

**جدول (۵): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ترس از جرم و افسردگی**

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
ترس از جرم و افسردگی	0/267	0/000

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین ترس از جرم و اضطراب رابطه معناداری وجود دارد. از آنجا که در جدول (۶) مقدار  $r = 0/164$  و  $sig = 0/001$  می‌باشد، می‌توان ادعا کرد که بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان ترس از جرم بیشتر باشد، میزان اضطراب نیز بیشتر خواهد بود.

**جدول (۶): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ترس از جرم و اضطراب**

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
اضطراب و ترس از جرم	0/164	0/001

### بحث و نتیجه‌گیری

در قسمت استنباطی مشخص شد که بین سن و ترس از جرم (در صورت کنترل سایر متغیرهای مستقل، رابطه‌ی معنادار و مثبت وجود دارد. یعنی هر چه سن بیشتر ترس از جرم بیشتر می‌گردد. در واقع می‌توان گفت براساس نظریه‌ی آسیب‌پذیری افرادی که به علل مختلف آسیب‌پذیرتر به شمار می‌روند برای مثال افراد سالخورده یا بیمار به علت این که احساس می‌کنند، توانایی چندانی برای محافظت از خود ندارند، احساس ترس از جرم بیشتری می‌کنند. لذا سن و در اغلب پژوهش‌ها، نشانه آسیب‌پذیری

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

جسمی است و در نتیجه این نوع آسیب‌پذیری جنبه شخصی دارد. سن یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های مطالعاتی ترس از جرم می‌باشد. تحقیقات پیشین نتایج متفاوتی درباره‌ی سن نشان داده‌اند. برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که با افزایش سن ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد. در این تحقیق سن در صورت کنترل سایر متغیرهای مستقل رابطه‌ی معناداری با ترس از جرم نشان داده، و بنابراین یافته‌های بدست آمده با تحقیقات پیشین همسو است.

از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهند بین میزان تحصیلات و ترس از جرم رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در زمینه‌ی تأثیر میزان سواد بر ترس از جرم باید بیان داشت که افزایش سطح سواد می‌تواند عاملی در جهت افزایش آگاهی از میزان جرایم و خطرات و در نتیجه افزایش میزان ترس از جرم باشد. همچنین افراد کم‌سواد به علت ناآگاهی از سازوکارهای حمایتی در جامعه در مقایسه با افراد تحصیل کرده آسیب‌پذیرتر هستند و از این رو ترس از جرم بالایی دارند. نتایج پیمایشی هم‌چون، پیمایش کاری<sup>۱</sup> در آلمان هم‌جهت با نتایج پژوهش حاضر می‌باشد.

در نظریه آسیب‌پذیری کسانی مورد توجه قرار می‌گیرند که به علت موقعیت اجتماعی خود دائماً در معرض بزه‌دیدگی هستند؛ برای مثال اقلیت‌ها، افراد کم‌درآمد و یا کم‌سواد. این گروه‌ها به این علت آسیب‌پذیر شمرده می‌شوند که به منابع مهم اجتماعی (مانند پول، آگاهی و حمایت سازمانی) برای حمایت از خود در برابر بزه‌دیدگی دسترسی ندارند. براساس این نظریه و بنا به دلایل مذکور افرادی کم‌سواد ترس از جرم بالایی را تجربه می‌کنند.

در ارتباط با رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و ترس از جرم نتایج تحقیق حاضر نشان از وجود رابطه‌ی مثبت و معنادار بین این دو متغیر دارد. می‌توان چنین اظهار نظر کرد که بین دو متغیر ارتباط نزدیکی وجود دارد. به عبارتی هر میزان ناهمگونی در محله‌ای بیشتر باشد، مردم در تفسیر رفتار و شیوه‌های زندگی افرادی که اعمالشان را متفاوت با زندگی خود می‌دانند ناتوان خواهند شد. آن‌ها چنین احساس خواهند کرد که دیگران در ارزش‌های آن‌ها سهیم نیستند و تعهدی به اجتماع ندارند. بنابراین در چنین مناطقی تعلق خاطر به محله و در نتیجه روابط محله‌ای ضعیف‌تر می‌شود، اعتماد اجتماعی در چنین جاهایی کاهش یافته و احساس ناامنی تشدید می‌یابد و در نهایت ترس از جرم نیز بیشتر خواهد شد (سراج‌زاده، ۱۳۸۹).

---

<sup>۱</sup> - Kury

رابطه‌ی بین احساس محرومیت و ترس از جرم به عنوان یکی دیگر از فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که بین این دو متغیر با اطمینان قوی رابطه معنادار وجود دارد. این بدان معناست که برای نمونه کسانی که احساس محرومیت نسبی بالایی دارند در واقع همان صاحبان پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تر بوده و در نتیجه احساس ترس از جرم بیشتری را تجربه می‌کنند. نتایج مربوط به این فرضیه با تحقیقی که توسط رستگار نسب (۱۳۸۹) انجام شد همسو بوده است. در ارتباط با یافته‌های جانبی پژوهش (نتایج و پیامدهای ترس از جرم)، نتایج به دست آمده نشان داد که هر چه میزان ترس از جرم بیشتر باشد، میزان عزت نفس افراد کاهش یافته، و میزان اضطراب و افسردگی در افراد بالا خواهد رفت. نتایج حاصل شده در این قسمت نیز، با پژوهش‌های (حمیدی، ۱۳۸۹؛ پور رجب، ۱۳۸۱؛ نیکوکار ۱۳۹۰) همسو است.

#### پیشنادهای تحقیق

- ۱- اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص جلب مشارکت مردمی برای کاهش میزان ترس از جرم؛
- ۲- آموزش عمومی طبقات مختلف مردم در خصوص دفاع دسته جمعی محلی و اقدامات مربوطه؛
- ۳- ترمیم و اصلاح فضاها و اماکن مختلف شهری
- ۴- بررسی کارشناسی و روانشناسی قربانیان جرم برای کاهش ترس از جرم در میان آنان؛
- ۵- بالا بردن آگاهی‌های مورد نیاز مردم برای مقابله با خطرات احتمالی؛
- ۶- نظارت بر ورود، توزیع و نصب اقلام حفاظتی و مراقبتی مانند دزدگیر، دوربین‌های مدار بسته و ...؛
- ۷- برقراری تعامل پلیس با مردم و نظارت بیشتر بر عملکرد بخش‌های مربوطه؛
- ۸- تعامل پلیس با بخش‌های خصوصی ارائه‌دهنده خدمات حفاظتی - مراقبتی.
- ۹- انجام پژوهش در زمینه‌های مختلف مشارکت مردمی در کاهش ترس از جرم توسط محققان دیگر؛
- ۱۰- بررسی دیگر عوامل مؤثر بر ترس از جرم؛
- ۱۱- بررسی آسیب‌های مختلف طبقات جامعه در خصوص ترس از جرم؛
- ۱۲- به دلیل اینکه جامعه کانون مراودات و مناسبات انسانی است و در قالب یک مجموعه اجتماعی دارای اجزا و عناصری است، بر این اساس امنیت جامعه با تخمین امنیت اجتماعی مجموعه‌های تشکیل‌دهنده آن فراهم می‌شود و این ممکن نخواهد شد مگر در صورت مشارکت همه گروه‌های مردمی با سازمان‌هایی چون، نیروی انتظامی. بنابراین سازمان نیروی انتظامی با آموزش و اطلاع رسانی درست و کافی می‌تواند مردم را هر چه بیشتر به مشارکت تشویق کرده و از همکاری آنها در ایجاد امنیت اجتماعی و به عبارتی کاهش ترس از جرم سود ببرد.

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن  
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)

۱۳- سازمان صدا و سیما می‌تواند به افزایش شبکه‌های ارتباطی و ادغام اجتماعی افراد از طریق ساخت برنامه‌های تلویزیونی و آشنا نمودن افراد با گروه‌های اجتماعی، اقلیت‌های قومی و مذهبی و کمک به ارتقا منزلت اجتماعی افراد از طریق اهمیت قائل شدن برای فعالیت‌های اجتماعی بپردازد و از این طریق سهم به‌سزایی را در کاهش میزان ترس از جرم داشته باشد.

#### منابع و مأخذ

- ۱- پور رجب، ف (۱۳۸۱). اضطراب، مشکوه‌ی النور، شماره‌ی ۱۹، مهر و آبان.
- ۲- ربانی، ع؛ رسول حسنی، م (۱۳۹۰). رابطه‌ی احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه اصفهان)، مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، شماره‌ی پیاپی ۴۲، شماره دوم.
- ۳- سراج زاده، ح و گیلانی، ا (۱۳۸۹). «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۴.
- ۴- گیدنز، آ (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، مترجم منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۵- گیدنز، آ (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۶- نیکوکار، ح (۱۳۹۱). ترس از جرم، تهران، انتشارات میزان.
- ۷- هزار جریبی، ج و آستین فشان، پ (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)، مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره‌ی پیاپی ۳۳، شماره یک.

۸-<http://www.ravanmoshaver.com>

۹-Dekker, Karien; Rowlands, Rob (2005), Tacking Social Cohesion in Ethnically Diverse Estats, in: Restructing Large Housing Europe, The Policy Press, U.K., P. 106.

۱۰-Grohe, Bonnie Rae (2006), Perceptions of Crime, Fear of Crime and Defensible Space in Fortworth Neighborhoods, Dissertation for the degree of Doctor of Philosophy, University of Texas At Arlington

۱۱-Pain' Rachel: (2000)' place. Social relations and the fear of crime' a review' progress in Human Geography 24.pp:365-387.

۱۲-Zeadner' Lucia' (2003)' victims' part Dimensions of crime' hn the oxford handbook of criminalology' edited by Mikemaguire. Et.al oxford university press' First published.